

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی

محمدهادی فلاحی*

نگار حمزوی زرقانی**

چکیده

این پژوهش از دیدگاه گفتمان‌شناسی انتقادی به بررسی شیوه‌های بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان پرداخته‌است. رمان‌های سووشون اثر سیمین دانشور (۱۳۴۸)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد (۱۳۸۰) و پرنده من اثر فریبا وفی (۱۳۸۱)، به عنوان محدوده پژوهش، انتخاب شدند. الگوی مورد استفاده، انگاره بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون‌لیون (۱۹۹۶) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، جمله‌ها و تعبیرات گفتمان‌مدار از جمله‌های غیر گفتمان‌مدار تفکیک و شمارش شدند. سپس بسامد و درصد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و میزان رازگونگی تعیین شد. نتایج پژوهش نشان داد که کودکان به صورت فعال و پویا و صریح بازنمایی شده‌اند. آنان در این متون بیش‌تر تشخیص‌بخشی شده‌اند و از بین مؤلفه‌های تشخیص‌بخشی از مؤلفه نام‌دهی بیش‌تر برای بازنمایی‌شان استفاده شده است که این مطلب نشان‌گر توجه به هویت شخصی و فردی کودکان است. همچنین کودکان در این آثار مورد تبعیض جنسیتی قرار نگرفته‌اند و بازنمایی و پوشیدگی دختران و پسران تفاوت معناداری با هم نداشتند.

کلیدواژه‌ها: الگوی ون لیون، تحلیل گفتمان انتقادی، کارگزاران اجتماعی، کودک.

* استادیار گروه زبان‌شناسی رایانه‌ای مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فن‌آوری، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)، fallahi@ricest.ac.ir

** کارشناس ارشد زبان‌شناسی، Negar105hm@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۸

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در علم زبان‌شناسی، تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) است. چگونگی شکل‌گیری تجزیه و تحلیل گفتمان و به ویژه تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) را باید در نیمه دوم قرن بیستم جست‌وجو کرد. در واقع تحلیل گفتمان انتقادی از زمانی پا به عرصه وجود گذاشت که زبان در نظریه‌های اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار شد. چنان‌که از نظر فرکلوف (Fairclough) (۱۹۹۲) اندیشمندانی چون فوکو (Foucault) و هابرماس (Habermas) در تولید و بازتولید جامعه و تشکیل روابط قدرت، جایگاه مهمی برای زبان قائل هستند. در تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان‌های سیاسی، مطبوعاتی و رسانه‌ای مورد توجه بیش‌تری واقع شده‌اند؛ اما سایر گفتمان‌ها مانند گفتمان‌های ادبی نیز قابلیت لازم برای تحلیل انتقادی را دارا هستند. آقاگل‌زاده (۲۰۱۳: ۲۰) معتقد است

مسئله زبان، ایدئولوژی و قدرت که از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی‌اند، در ادبیات بسیار پررنگ ظاهر شده‌اند، به عنوان نمونه می‌توان به نظر کارتر (Ronald Carter) توجه نمود که معتقد است واژه ادبیات را سوای از اصطلاح ایدئولوژی نمی‌توان تعریف کرد.

رمان را شاید بتوان یکی از مهم‌ترین انواع ادبی و متون روایی دانست. این ژانر «بیش‌تر از هر اثر ادبی دیگر تحت تأثیر شرایط و اوضاع جامعه قرار دارد و بهتر از هر اثر ادبی دیگر، می‌تواند ساختار اجتماعی را در خود بازتاب دهد» (غلام، ۱۳۸۳: ۱۳۱). هزلیت (۱۸۳۰-۱۸۷۸) رمان را چنین تعریف می‌کند: «رمان داستانی است که بر اساس تقلید نزدیک به واقعیت، از آدمی و عادات و حالات بشری نوشته شده باشد و به نحوی از انحاء تصویر جامعه را در خود منعکس کند» (به نقل از میرصادقی، ۱۳۹۰: ۴۰۵). بنابراین رمان بستری است مناسب برای بازتاب آنچه در جامعه می‌گذرد و البته نباید از تأثیرات آن بر جامعه نیز غافل شد.

در این مقاله سه رمان شاخص واقع‌گرا یعنی رمان‌های سووشون اثر سیمین دانشور (۱۳۴۸)، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد (۱۳۸۰) و پرنده من اثر فریبا وفی (۱۳۸۱)، با استفاده از الگوی بازنمایی کارگزاران اجتماعی ون لیوون (۱۹۹۶) که با پرداختن به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی نهفته در دل مؤلفه‌های زبان‌شناختی به معرفی

و تصویرسازی فعالان اجتماعی می‌پردازد، مورد بررسی قرار گرفتند. کارگزاران اجتماعی (Social actors) را می‌توان تمامی افرادی دانست که در یک گفتمان حضور دارند و به کمک مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی به گونه‌های مختلف در گفتمان بازنمایی می‌شوند. از دلایل انتخاب این سه اثر متفاوت می‌توان به این نکات اشاره کرد: عناصر تشکیل‌دهنده این سه رمان از وقایع شبیه زندگی واقعی گرفته شده و جنبه اجتماعی در آنها پررنگ است، هر سه این رمان‌ها روایت زندگی با همه ابعاد و جنبه‌های آن در برهه‌ای از زمان، از دیدگاه زنانه است که زمانی کودک بودند و اکنون همسر و مادر هستند. پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: ۱- کودکان در آثار منتخب ادبیات روایی بزرگسالان چگونه بازنمایی شده‌اند؟، ۲- نویسندگان آثار برگزیده از کدام مؤلفه‌های گفتمان‌مدار بیشتر، برای بازنمایی کودکان بهره‌جسته‌اند؟، ۳- در بازنمایی کودکان در این آثار رازگونگی به چه میزان است؟، ۴- آیا چگونگی بازنمایی کودکان دختر و پسر در این آثار با هم تفاوت معنادار دارد؟، ۵- آیا با تحلیل این متون می‌توان جایگاه واقعی کودکان را در جامعه ایران تبیین کرد؟. تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس گفته یارمحمدی

یک نوع تحلیل گفتمانی است که نحوه استفاده غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاص صورت می‌گیرد، ایجاد می‌شود یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌نماید (۴:۱۳۸۳). کریستال (Crystal) (۸۷:۱۹۹۲)

تحلیل گفتمان انتقادی را رویکردی می‌داند که «به تجزیه و تحلیل زبان می‌پردازد و هدف آن آشکارسازی روابط قدرت پنهان و فرآیندهای ایدئولوژیکی در زبان‌شناسی است». فرکلاف

نیاز به تغییر در نوع نگرش و روش‌شناختی زبان را در قالب دو هدف عمده‌ای می‌داند که رویکرد زبان‌شناسی انتقادی دنبال می‌کند. نخست کمک به جبران این بی‌اعتنایی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و نگهداری و تغییر روابط اجتماعی قدرت؛ دوم آگاه کردن مردم نسبت به این‌که چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد (۱:۱۹۸۹).

بنا به گفته آفاکل زاده،

تحلیل گفتمان انتقادی و نقد زبان‌شناختی با ادبیات از طریق مطالعات تحلیل متون ادبی، سبک‌شناسی و نقد ادبی مرتبط است. تحلیل‌گران گفتمان انتقادی بر این باورند که متون ادبی نیز مانند سایر متون در خدمت ارتباط‌اند. از این رو آن‌ها را نیز می‌توان با نگرش و روش انتقادی تحلیل نمود (۱۷:۱۳۸۶).

حق‌شناس درباره ارتباط ادبیات و زبان‌شناسی می‌گوید: «زبان‌شناسی به این دلیل حق دارد در کار مطالعات ادبی دخالت کند که ادبیات، به قول شفیع کدکنی «حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد» زبان‌شناس ناگزیر است ببیند که این حادثه زبانی چیست. بی‌شک اگر به این حادثه زبانی نپردازد بخشی از موضوع کارش را نادیده گذاشته و نشناخته است» (۷۷:۱۳۷۳). فاولر و دیگران نیز عنوان می‌کنند که «من معتقدم زبان‌شناسی می‌تواند کاربردی کاملاً مناسب در ادبیات داشته باشد تا وجوه مختلف متون ادبی را آشکار کند؛ به همین دلیل می‌خواهم جهتی تازه و متفاوت به مسأله بدهم» (۲۶-۲۵:۱۳۹۰). در زبان‌شناسی، رویکردهای مختلفی به متن و تحلیل متون وجود دارد.

رمان برخلاف انواع ادبی دیگر قواعد معینی از نظر شکل و ساختار و حتی محتوی ندارد. باختین (Mikhail Bakhtin) نظریه‌پرداز بزرگ روس معتقد است که «محققان نتوانسته‌اند یک ویژگی قابل تعریف ساده و ایستا برای رمان قائل شوند، بدون اینکه استثنای آن ویژگی را باطل نکنند و در دستیابی به یک تعریف، مانع ایجاد نکنند (عسگری، ۱۳۸۹:۳۳).

این تعریف نیز که در فرهنگ اصطلاحات ادبی هری شا (Harry Shaw) آمده به عناصر رمان توجه دارد:

روایت منثور داستانی طولانی که شخصیت‌ها و حضورشان را سازمان‌بندی مرتبی از وقایع و صحنه‌ها تصور کند. اثری داستانی که کمتر از ۳۰ تا ۴۰ هزار کلمه داشته باشد. هر رمان شرح و نقلی است از زندگی، هر رمان متضمن کشمکش، شخصیت‌ها، عمل، صحنه، پیرنگ و درونمایه است (به نقل از میرصادقی، ۱۳۹۰:۴۱۳).

این نکته واضح است که «ژانر غالب معاصر، رمان است. به حدی که می‌توان ادبیات امروز را ادبیات رمان محور نامید» (غلام، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

۲. پیشینه پژوهش

ونلیوون (۱۹۹۵) در ابتدا متون مرتبط با نخستین روز مدرسه را بررسی کرد. این متون شامل داستان‌های کودکان، کتاب‌ها و بروشورهایی بود که در اختیار کودکان و والدینشان قرار می‌گرفت. وی تفاوت معنی‌داری در نوع بازنمایی‌های کودکان و بزرگسالان مشاهده نکرد. ناولز (۱۳۸۰) چندین داستان را مورد تحلیل قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد که گفت‌وگوهای شخصیت‌های داستانی رابطه‌ی سلطه را توجیه و گفته‌ی راوی را عقلانی جلوه می‌دهد و تبعیض‌های جنسیتی را بازنمایی می‌کند. هابسن (۲۰۰۳) قسمت‌هایی از کتاب *راهنمایی‌ها و خط مشی‌ها* (۱۹۹۹) را مورد بررسی قرار داد. وی به این نتیجه رسید که پسران و دختران به صورت‌های متفاوتی در این متون ظاهر می‌شوند. راجرز و کریستین (Rogers & Christian) (۲۰۰۷) به بررسی چگونگی بازنمایی مسئله‌ی نژاد در ادبیات کودکان در آمریکا پرداخت. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که نژاد سفیدپوست اغلب به عنوان نژاد برتر نسبت به دیگر نژادها در متون ادبیات کودکان در آمریکا بازنمایی شده است. وارتون (Wharton) (۲۰۰۸) به تحلیل نمودهای جنسیتی در آموزش سال‌های اولیه‌ی مدرسه در انگلستان پرداخت. وی نشان داد که تصاویری که از جنس مذکر و مؤنث در این متون ارائه شده‌اند، تصاویری کلیشه‌ای هستند. تالیف و نیر (Talif & Nair) (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی لغات و کلیشه‌های جنسی در ادبیات کودکان مالزی پرداختند. آن‌ها دریافتند که در ادبیات کودکان مسئله‌ی جنسیت به صورت کلیشه‌های زنانه و مردانه مطرح است و نقش زبان در پنهان‌سازی‌های جنسیتی در این متون باید مورد بررسی قرار گیرد. شاه‌سنی (۱۳۸۶)، در پژوهشی، کتاب‌های فارسی، تعلیمات دینی و تعلیمات اجتماعی دوره‌ی ابتدایی را با به کارگیری الگوی ونلیوون مورد بررسی قرار داد. نتایج این پژوهش نشان داد ارزش‌های دینی، آداب، اخلاق و قانون و مقررات اجتماعی و نقش‌های جنسیتی سستی در درون گفتمان‌ها پنهان شده‌اند. فلاحی (۱۳۸۸)، در پژوهشی به بررسی شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در برخی از مطبوعات اوایل دوره‌ی مشروطه پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد در این نشریات کارگزاران در هیأت انسان‌هایی فعال و پویا بازنمایی شده‌اند. مقداری (۱۳۸۹)، به بررسی نابرابری جنسی در ادبیات جنگ برای کودک و تأثیر آن بر شکل‌گیری هویت جنسیتی کودکان ایرانی پرداخته‌است. وی در این پژوهش نشان داد که جنس مؤنث در این داستان‌ها به صورت منفعل بازنمایی و یا کاملاً حذف شده است و جنس مذکر به صورت فعال و پویا بازنمایی شده است. جهانگیری (۱۳۹۰)، بر اساس

الگوی ون لیوون به بررسی ساختارها و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در این اشعار کودکان پرداخته است. وی به این نتیجه رسید که در اشعار مخصوص کودکان و نوجوانان بسامد مؤلفه‌های ادبی در آن‌ها بیشتر است. رستگار (۱۳۹۰)، با استفاده از الگوی ون لیوون به تحلیل رمان *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* پرداخته است. نتایج به دست آمده نشان داد که به‌کارگیری مؤلفه‌های اظهار نزد زنان بیش‌تر از حذف بوده همچنین، زنان دارای نگرشی پویا بوده و به دور از پوشیدگی، سخن می‌گویند. پوشنه (۱۳۹۱)، در پژوهشی به یافتن شیوه‌های متفاوت بازنمایی کارگزاران اجتماعی مختلف در روایت *میان دیروز و فردا* اثر گلستان (۱۳۸۴) پرداخت. نتیجه این پژوهش نشان داد که گلستان به منظور تأثیرگذاری بیش‌تر بر مخاطب و دیدگاه‌های فکری اجتماعی خود، کارگزاران را به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی کرده است.

اغلب پژوهش‌های معرفی شده نشان می‌دهند که چگونگی بازنمایی دختران و پسران در متون، چه در مقایسه با بزرگسالان و چه به لحاظ جنسیتی، یکسان نیست. در این مقاله تلاش می‌شود نحوه بازنمایی کودکان به عنوان کارگزارانی که حضور آن‌ها در گفتمان خانواده و جامعه مهم تلقی می‌شود، در سه متن روایی بزرگسالان که بی‌شک فضایی مناسب برای بروز مسائل اجتماعی است، مورد بررسی قرار گیرد.

۳. مبانی نظری

رمان‌های *سوشون*، *پرنده من* و *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم* به عنوان منبع داده‌های این پژوهش برگزیده شدند. در این پژوهش نمونه‌گیری، هدفمند (Purposive Sampling) بود بدین معنی که متون تحلیل شده، هماهنگ با اهداف پژوهش انتخاب شدند. معروف‌ترین اثر سیمین دانشور، *سوشون* است که در سال ۱۳۴۸ به چاپ رسید. *سوشون*، رمانی است که به شرح وقایع حدود سال‌های ۱۳۲۰، زمان جنگ جهانی دوم و حضور نیروهای انگلیسی در شیراز و اوضاع اجتماعی و سیاسی آن زمان می‌پردازد. اکثر داستان از زبان زری روایت می‌شود. *چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم*، داستان زندگی خانوادگی زنی ارمنی در آبادان دهه چهل است که از زبان خود او روایت می‌شود. *پرنده من* رمانی است که لایه‌های پنهان زندگی راوی خود را می‌گشاید. داستان حول محور گذشته و حال زنی می‌گردد که در خانواده‌ای بزرگ شده که سراسر با رنج مواجه بوده است.

در این پژوهش از روش‌های کیفی و کمی برای تجزیه و تحلیل متون استفاده شد. بدین ترتیب که: نخست، تمامی متون مطالعه و بررسی شدند، سپس با توجه به پیام کلی متن، ساختارهای گفتمان‌مدار از ساختارهای غیرگفتمان‌مدار، تفکیک شدند و با توجه به چارچوب نظری پژوهش، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار استخراج و تحلیل شدند. پس از شمارش مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تعیین تعداد واحدهای پایانی، میزان به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، با استفاده از روش‌های آماری ساده، تعداد رخ داده‌ها، بسامد و درصد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متون، تعیین و در جدول‌هایی ارائه شد. به منظور تعیین معناداری اختلاف میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در هر یک از متون، از مجذور خی و برای مقایسه معناداری تفاوت میان رازگونی در دو گروه کودکان پسر و کودکان دختر و مقایسه معناداری تفاوت میان میزان کاربرد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در دو گروه کودکان پسر و کودکان دختر از آزمون من-ویتنی (test Mann-Whitney) استفاده شده است. همچنین میزان رازگونی نیز با استفاده از روش آماری، تعیین شد.

با استفاده از الگوی هانت (Hunt) (۱۹۷۰) (به نقل از صمیم بنی‌هاشم، ۱۳۷۱) تعداد واحدهای پایانی متون شمارش شدند. هر جمله ساده و یا مرکب، یک واحد پایانی محسوب می‌شود.

میزان به‌کارگیری مؤلفه‌های گفتمان‌مدار نیز از تقسیم تعداد کل مؤلفه‌ها بر تعداد کل واحدهای پایانی به دست آمد.

برخی از کارگزاران با صراحت (explicit) و برخی دیگر به صورت پوشیده یا ضمنی (implicit) بازنمایی شده‌اند. مؤلفه‌های حذف، پوشیده است. در زیرمقوله‌های اظهار مؤلفه فعال‌سازی در برابر منفعل‌سازی و زیرمقوله‌های صریح است. تشخیص‌زدایی و زیرمقوله‌های پوشیده است. نامشخص‌سازی و مشخص‌سازی چند موردی و زیرمقوله‌های پوشیده به حساب می‌آیند. مشخص‌سازی تک موردی، نام‌دهی و زیرمقوله‌های صریح، ولی طبقه‌بندی کردن و زیرمقوله‌های پوشیده‌اند. جنس ارجاعی پوشیده و نوع ارجاعی و زیرمقوله‌های صریح هستند. پیوند زدن و تفکیک کردن صریح می‌باشند. برای تعیین میزان رازگونی نیز از فرمول زیر استفاده شد:

$$\text{میزان رازگونی} = \frac{\text{مجموع ارجاعات پوشیده} \times 100}{\text{کل ارجاعات پوشیده و صریح}}$$

الگوی ونلیوون (۱۹۹۶) الگویی است که مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی را بر مؤلفه‌های زبان‌شناختی ارجح می‌داند به این دلیل که رابطه صد درصد مستقیمی بین شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش‌های آن‌ها وجود ندارد (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). معادل‌های فارسی و توضیح مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی براساس یارمحمدی (۱۳۹۱) آورده شده‌اند.

در این نمودار علامت قلاب (J) نشان‌دهنده آن است که مؤلفه‌هایی که پس از آن می‌آیند قابل جمع نیستند. علامت ابرو (U) نشان‌دهنده آن است که عوامل پس از آن در توصیف حالتی می‌توانند با هم جمع شوند. علامت نیم دایره () نیز دلالت بر آن دارد که عوامل پس از آن می‌توانند در مواردی تشخیص‌بخش و در موارد دیگر تشخیص‌زدا باشند.



۱.۱.۳ حذف

حذف و یا اظهار کارگزاران اجتماعی بستگی به اهداف و منافع تولیدکنندگان متن و گفتمان و مخاطبان آن‌ها دارد. گاهی همه کارگزاران اجتماعی در متن بازنمایی نمی‌شوند و برخی از آن‌ها حذف می‌شوند. حذف به دو شکل صورت می‌گیرد: پنهان‌سازی و کم‌رنگ‌سازی. در پنهان‌سازی، کارگزاران اجتماعی و تمامی رفتار و اعمال آن‌ها حذف می‌شود. در کم‌رنگ‌سازی، کارگزاران اجتماعی حذف شده اما ردپایی از خود در متن به جا گذاشته‌اند که می‌توان آن‌ها را بازیابی کرد.

- امیر و لش می‌کند و سر سفره می‌نشیند. (وفی، ۱۳۸۱: ۴۴)

منظور این است که امیر شاهین را رها می‌کند. کنش‌پذیر در جمله ذکر نشده اما در متن قابل بازیابی است در نتیجه کم‌رنگ‌سازی صورت گرفته است.

۲.۱.۳ اظهار

در موارد بسیاری، کارگزاران اجتماعی به صراحت در متن و گفتمان ذکر می‌شوند. بازنمایی کارگزاران اجتماعی به این صورت، شیوه‌های متعددی دارد که عبارتند از:

۱.۲.۱.۳ تخصیص نقش (Role allocation)

در تخصیص نقش، مشخص می‌شود کارگزار اجتماعی عامل (agent) و یا پذیرنده عمل (patient) است. این نقش‌دهی به دو صورت فعال‌سازی و منفعل‌سازی صورت می‌گیرد. در فعال‌سازی، کارگزار اجتماعی به عنوان نیروی پویا و تأثیرگذار معرفی می‌شود. در منفعل‌سازی، کارگزار اجتماعی به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی به عمل تن می‌دهد و یا آن را می‌پذیرد.

الف) فعال‌سازی:

- بچه‌ها می‌خندند. (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۷۱)

در این جمله بچه‌ها عامل هستند و فعال نشان داده شده‌اند.

ب) منفعل‌سازی:

- روز سوم به بهانه کوچکی شادی را می‌زند. (وفی، ۱۳۸۱: ۹۷)

در این جمله شادی کتک می‌خورد، پس کنش‌پذیر بوده و نوع بازنمایی وی منفعل‌سازی است.

۲.۲.۱.۳ تعیین نوع اشاره (Reference allocation)

چنانچه در گفتمان، کارگزاران اجتماعی به صورت انسان یعنی دارای ویژگی «+ انسان» تصویرسازی شوند، در مقوله **تشخص بخشی** قرار می‌گیرند و چنانچه به صورت غیرانسان یعنی دارای ویژگی «- انسان» تصویرسازی شوند، در مقوله **تشخص زدایی** قرار می‌گیرند. هر یک از این مقوله‌ها زیرمجموعه‌هایی دارند که در ذیل به آن‌ها می‌پردازیم.

زیرمقوله‌های تشخیص بخشی عبارتند از: مشخص سازی و نامشخص سازی. هرگاه کارگزاران به صورت افراد و یا گروه‌های نامشخص بازنمایی شوند، از شیوه نامشخص سازی استفاده شده است. در نامشخص سازی اغلب از ادات و ضمائر و صفات مبهم مانند هرکس، اندکی، بعضی، فلان و غیره به تنهایی یا همراه با اسامی استفاده می‌شود.

- **گفتم هرکس** پاکت را باز کند تمبر مال آن یکی است. (وفی، ۱۳۸۱: ۷۰)

در این جا هرکس منظور یکی از بچه‌ها شاهین یا شادی است اما به طور مشخص بازنمایی صورت نگرفته است.

در مشخص سازی، کارگزاران اجتماعی به نحوی مشخص و شناخته شده، بازنمایی می‌شوند. مشخص سازی خود انواعی دارد که عبارتند از:

- انواع مشخص سازی

۱) **پیوندزدن و پیوندزدایی:** در پیوند زدن کارگزاران اجتماعی به شکل گروهی و پیوسته بازنمایی می‌شوند. این گروه‌ها درباره فعالیت یا دیدگاه خاصی نظر واحدی (موافق یا مخالف) دارند. درحالی که این گروه‌ها، گروه‌های نهادینه شده‌ای نیستند و ممکن است در مورد موضوع دیگری وحدت نظر نداشته باشند.

- **مردها و بچه‌ها خوشحال بودند.** (دانشور، ۱۳۴۸: ۲۲۴)

در این جمله بچه‌ها با مردها پیوند زده شده‌اند.

- **یاد نداشتم دوقلوها با هم مخالفت کرده باشند.** حالا همین امروز باید جر و بحث می‌کردند. (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۲۴۰)

در این جمله دوقلوها که همیشه با هم موافق بودند اختلاف پیدا می‌کنند و به نوعی در این جمله شاهد مؤلفه پیوند زدایی هستیم.

۲) تفکیک کردن و تفکیک نکردن: در تفکیک کردن، یک فرد یا گروه از کارگزاران اجتماعی با صراحت از دیگر گروه‌های مشابه تفکیک می‌شوند، بدین طریق گروه خودی و غیرخودی شکل می‌گیرد. در تفکیک نکردن چنین تمایزی به وجود نمی‌آید.

- بالا شهری‌ها در نازو نعمت زندگی می‌کنند و ما به آن‌ها نمی‌خوریم. (مثال از

یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۴)

۳) نام‌دهی و طبقه‌بندی کردن: چنانچه کارگزاران اجتماعی در یک گفت‌وگو با توجه به هویت منحصر به فرد خودشان بازنمایی شوند، شیوه نام‌دهی به کار رفته است. نام‌دهی شامل زیر مجموعه‌هایی است: نام‌دهی رسمی مانند «آقای کریمی»، نام‌دهی نیمه‌رسمی مانند «حسین کریمی» و نام‌دهی غیر رسمی مانند «شاهین». در نام‌دهی می‌توان از عنوان‌دهی هم استفاده کرد که عنوان‌دهی خود به دو شکل است. مقام‌دهی مانند «دکتر کریمی» و نسبت‌دهی مانند «عمو حسین».

طبقه‌بندی کردن حالتی است که کارگزاران اجتماعی با توجه به هویت جمعی و نقش‌هایی که در آن با دیگر کارگزاران سهیم هستند، بازنمایی شده‌اند. طبقه‌بندی کردن سه زیرمجموعه دارد:

الف- نقش‌دهی: در این شیوه کارگزاران اجتماعی براساس نقشی که به آن‌ها داده می‌شود یا کاری که انجام می‌دهند، بازنمایی می‌شوند.

- برای آقاجان یک پادوی کوچک خانگی بودم. (وفی، ۱۳۸۱: ۷۹)

در این جمله نقش پادو به کارگزار کودک داده شده و از مؤلفه نقش‌دهی برای بازنمایی وی استفاده شده است.

ب- ارزش‌دهی: کارگزاران اجتماعی در این شیوه با استفاده از اصطلاحات تقابلی و ارزشی بازنمایی می‌شوند.

- «بابا جان استخر که هنوز باز نشده که». (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۶۲)

در این جمله کارگزار کودک با کلمه‌ی باباجان که همان جان بابا است، به نوعی ارزش‌دهی و بازنمایی شده است.

پ- هویت‌دهی: کارگزاران اجتماعی در این شیوه برحسب ویژگی‌های ذاتی و دائمی‌شان طبقه‌بندی می‌شوند. هویت‌دهی سه گونه دارد: نخست، هویت‌بخشی مقوله‌ای است که کارگزاران بر اساس قراردادهای طبیعی، فرهنگی و تاریخی مانند نژاد، قومیت، جنس، مذهب، حرفه و طبقه اجتماعی و غیره بازنمایی می‌شوند.

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۵۵

- بچه‌ها توی حیاط جمع شده‌اند و سکه‌هایشان را به طرفش دراز می‌کنند. (وفی، ۱۳۸۱: ۵۸)

در این جمله بچه‌ها به صورت مقوله‌ای هویت‌بخش شده‌اند چرا که منظور، بچه‌ها است و نه مثلاً بزرگسالان، در نتیجه کارگزار کودک بر اساس طبقه اجتماعی بازنمایی شده است.

حالت دوم هویت‌بخشی نسبتی است که در این حالت کارگزاران اجتماعی بر اساس روابط خویشاوندی، دوستی و شغلی بازنمایی می‌شوند.

- زری پسرش را نمی‌دید و در جمعیت چشم به دنبالش داشت. (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۴۳)

در این جمله کارگزار کودک با نسبت فرزند پسر نشان داده شده است. و حالت سوم هویت‌بخشی ظاهری است که در آن کارگزاران برحسب خصوصیات جسمی (به ویژه وضع ظاهری) بازنمایی می‌شوند.

- «تو چی خوشگل خانم؟» (وفی، ۱۳۸۱: ۱۱۷)

در این جمله کارگزار با وضعیت ظاهری یعنی خوشگل بودن بازنمایی شده است.

۴) مشخص‌نمایی تک‌موردی و مشخص‌نمایی چندموردی: در مشخص‌نمایی تک‌موردی، کارگزار اجتماعی در آن واحد تنها در یک کارکرد اجتماعی شرکت دارد ولی در مشخص‌نمایی چندموردی، کارگزار اجتماعی در یک لحظه در بیش از یک کارکرد اجتماعی شرکت دارد. مشخص‌نمایی چند موردی شامل زیرمقوله‌هایی است که عبارتند از: **الف- وارونگی:** در این حالت، کارگزار با دو نقش متقابل و وارونه بازنمایی می‌شود که از این دو نقش یکی می‌تواند شخصیتی مربوط به گذشته باشد و دیگری مربوط به زمان حال، و یا هر دو نقش با هم هم‌خوانی ندارند و ناهنجار بازنمایانده می‌شوند. به نوع نخست، زمان درهمی و به نوع دوم، هویت درهمی گفته می‌شود. نمونه‌هایی از هویت درهمی در زیر آورده شده است.

برای مثال نوع اول می‌توان شخصی را در هیئت رستم دستان با کلاه‌خود مخصوص نشان داد که با کلاشینکف در تپه‌های اطراف شیراز (در نقش کوه قاف) دنبال دیو سفید می‌گردد. در مورد دوم می‌توان به کتاب‌های موش و گربه عبید زاکانی، قلعه حیوانات اورول، کلیله و دمنه و انواع و اقسام کتاب‌های کودکان که حیوان‌ها در نقش انسان یا بالعکس ظاهر می‌شوند، اشاره کرد (یار محمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۱).

ب- **نمادین شدگی:** هرگاه به جای کارگزاران واقعی در کارکردهای اجتماعی متعارف، یک و یا گروهی از کارگزاران اسطوره‌ای، تخیلی یا داستانی نشانده شود، از نمادین شدگی استفاده شده است.

- وقتی برادر من حسن وارد اتاق می‌شود، من بگویم رستم وارد شد تا حسن مورد تشویق قرار بگیرد (مثال از یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

ج- **دلالت ضمنی کردن:** در این حالت کارگزاری مشخص با نقش و ویژگی مشخص، در عین حال نقش دیگری نیز بر عهده دارد.

- این سبیل کلفت همه محل را عذاب می‌دهد.

سبیل کلفت در عین حال که فرد مشخصی است و سبیل پر پستی دارد، داش مشدی هم هست (مثال از یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

د- **فشرده شدگی:** «فشرده شدگی، مشخص‌سازی را از طریق ترکیبی از تعمیم و تجرید محقق می‌سازد. صفتی خاص مثل راهنما، رهبر و حلال مشکلات از گروهی از مردم انتزاع می‌گردد و سپس به هر یک از افراد آن گروه اطلاق می‌شود» (یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۲).

تشخص‌زدایی شامل دو زیرمقوله انتزاعی کردن و عینی کردن می‌باشد.

- **انتزاعی کردن:** در این حالت یک صفت و یا یک ویژگی کارگزار جایگزین وی می‌شود و کارگزار به این شیوه بازنمایی می‌شود.

- **فسقلی‌ها** چی دوست دارند خاله از خارج برایشان بفرستد؟ (وفی، ۱۳۸۱: ۱۱۶)

در این جمله کارگزاران کودک با صفت فسقلی‌ها بازنمایی شده‌اند.

- **عینی کردن:** عینی کردن چهار زیرمجموعه دارد که عبارتند از: مکان‌مداری، ابزارمداری، گفته‌مداری، اندام‌مداری.

الف- مکان‌مداری: در این شیوه کارگزار اجتماعی به وسیله مکانی که در بافتی

مشخص به شدت با آن عجین شده باشد، بازنمایی می‌شود.

- تهران و مسکو در این زمینه هم عقیده هستند (مثال از یارمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

منظور از تهران و مسکو، دولت‌های ایران و روسیه است که با پایتختشان بازنمایی شده‌اند.

ب- **ابزارمداری:** در این شیوه کارگزار اجتماعی به کمک اشاره به ابزار بازنمایی می‌شود.

شود.

- تا تو باشی به هر سازی که بچه‌ها می‌زنند نرقصی. (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۷۳)
این‌جا نیز کارگزار مورد نظر یعنی بچه‌ها به کمک اشاره به ابزار یعنی ساز، بازنمایی شده است.

ج- گفته‌مداری: در این شیوه کارگزار اجتماعی به کمک اشاره به گفته‌ها و یا نوشته‌ها بازنمایی می‌شود.

- مرجان می‌خواست بزند زیر گریه که سؤال مینا منصرفش کرد. (دانشور، ۱۳۴۸: ۱۶۲)

در این جمله مینا با کمک اشاره به گفته‌اش که همان سؤالش است، بازنمایی شده است.
د- اندام‌مداری: در این شیوه، کارگزار اجتماعی به کمک اشاره به بخشی از بدن عینی سازی و تصویرسازی می‌شود.

- خرس قطبی سر بچه‌ها داد می‌زند. (وفی، ۱۳۸۱: ۷۹)
در این جمله بچه‌ها با توجه به قسمتی از بدن یعنی سر، بازنمایی شده‌اند.

۳.۲.۱.۳ تعیین ماهیت (Type allocation)

تعیین ماهیت یعنی تعیین جنس ارجاعی و یا نوع ارجاعی بودن کارگزاران اجتماعی، نیز مانند تعیین نوع اشاره و تعیین نقش از عوامل مهم در چگونگی بازنمایی کارگزاران اجتماعی است. خوانساری به نقل از یارمحمدی، جنس و نوع را این‌گونه تعریف می‌کند:

جنس یکی از کلیات خمس ارسطویی است و آن کلی ذاتی است که بر افراد مختلف- الحقیقه قابل حمل است مانند حیوان که بر انسان و اسب و خرگوش و شیر و جز آن حمل می‌شود و نوع یکی از کلیات خمس و آن کلی ای است که بر افراد متفق الحقیقه حمل می‌شود. مثلاً چون پیرسیم که احمد و پرویز و هوشنگ چیستند؟ جواب، انسان است (۱۳۸۵: ۷۴).

تعیین ماهیت دو زیرمقوله جنس ارجاعی و نوع ارجاعی دارد.

الف) جنس ارجاعی

- گفتم «ولی بچه‌ها تخم مرغ رنگی دوست دارند». (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۳۹)
در این جمله منظور این است که همه بچه‌ها به‌طور کلی و عام تخم مرغ رنگی را دوست دارند.

ب) نوع ارجاعی

نوع ارجاعی شامل دو زیر مقوله فرد ارجاعی و گروه ارجاعی می‌باشد. هرگاه کارگزار به صورت فرد نمایانده شود، حالت فرد ارجاعی و هرگاه کارگزار به صورت گروه نمایانده شود، حالت گروه ارجاعی برای بازنمایی کارگزار استفاده شده است. گروه ارجاعی نیز خود شامل دو زیرمقوله کلی ارجاعی و مجموعه ارجاعی می‌باشد. هرگاه در گروه ارجاعی، گروه‌های کارگزاران با عدد و رقم نشان داده شوند، مجموعه ارجاعی به کار رفته است و در غیراین صورت، کلی ارجاعی به کار رفته است.

- فرد ارجاعی:

- آلیس شکلک درآورد. (پیرزاد، ۱۳۸۰: ۳۳)

این جا آلیس که کارگزار است به صورت فرد ارجاعی بازنمایی شده است چون یک فرد است.

- کلی ارجاعی:

- بچه‌ها را می‌بوسد و ... (وفی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

در این جمله بچه‌ها به بیش از یک نفر اشاره دارد، بنابراین مؤلفه کلی ارجاعی برای بازنمایی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود.

- مجموعه ارجاعی:

- این زندگی من است و این دو بچه تنها مال من هستند. (وفی، ۱۳۸۱: ۱۱۵)

در این جمله دو بچه مجموعه ارجاعی است چرا که عدد دو آورده شده است. در پایان لازم به ذکر است که اعمال چنین مرزبندی دقیقی که ون لیوون در الگوی خود ارائه می‌دهد، به طور کامل امکان پذیر نیست. بلکه در مواردی شاهد این موضوع هستیم که برای ایجاد تأثیری خاص، این مرزها عملاً رعایت نشده نمی‌شوند. مثلاً کارگزاری هم نقش دهی می‌شود و هم نام دهی.

۴ تجزیه و تحلیل یافته‌ها

جدول ۴-۱: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (کودکان) در هر یک از رمان‌ها

ردیف	رمان	واحدهای پایانی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار									
			تشخیص بخشیدن					تشخیص زدایی				
			حذف		فعال سازی		منفعل سازی		پیوند زدن		پیوند زدایی	
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۱	سوشون	۸۰۱۲	۵۷۰	۲۹/۹۶	۴۰۰	۲۱/۰۳	۲۲۲	۱۱/۶۷	۶۹	۳/۶۲	۰	
۲	چراغ‌ها	۷۱۰۱	۶۳۵	۲۸/۴۱	۵۶۷	۲۵/۳۶	۱۷۳	۷/۷۴	۱۲۱	۵/۴۱	۰/۰۴	
۳	پرنده	۲۷۰۱	۳۲۱	۳۸/۳۰	۱۶۸	۲۰/۰۴	۸۰	۹/۵۴	۲۴	۲/۸۶	۰	

ردیف	رمان	واحدهای پایانی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار									
			تشخیص بخشیدن					تشخیص زدایی				
			طبقه بندی		نام دهی		ناشخص سازی		انتزاعی کردن		عینی کردن	
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۱	سوشون	۸۰۱۲	۲۶۷	۱۴/۰۳	۳۲۲	۱۶/۹۲	۸	۰/۴۲	۲۱	۱/۱۰	۲۳	
۲	چراغ‌ها	۷۱۰۱	۳۰۲	۱۳/۵۱	۳۹۷	۱۷/۷۶	۱۰	۰/۴۴	۱۲	۰/۵۳	۱۷	
۳	پرنده	۲۷۰۱	۸۷	۱۰/۳۸	۱۳۹	۱۶/۵۸	۷	۰/۸۳	۷	۰/۸۳	۵	

جدول ۴-۲: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (کودکان) در هر سه رمان

ردیف	رمان	واحدهای پایانی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار									
			تشخیص بخشیدن					تشخیص زدایی				
			حذف		فعال سازی		منفعل سازی		پیوند زدن		پیوند زدایی	
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۱	هر سه رمان	۱۷۸۱۴	۱۵۲۶	۳۰/۶۷	۱۱۳۵	۲۲/۸۱	۴۷۵	۹/۵۴	۲۱۴	۴/۳۰	۰/۰۲	

ردیف	رمان	واحدهای پایانی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار									
			تشخیص بخشیدن					تشخیص زدایی				
			طبقه بندی		نام دهی		ناشخص سازی		انتزاعی کردن		عینی کردن	
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۱	هر سه رمان	۱۷۸۱۴	۶۵۶	۱۳/۱۸	۸۵۸	۱۷/۲۴	۲۵	۰/۵۰	۴۰	۰/۸۰	۴۵	

در هیچ کدام از رمان‌ها از مؤلفه‌های تفکیک کردن و تفکیک نکردن و مشخص‌سازی تک موردی و چند موردی استفاده نشده است.

جدول ۳-۴: مقایسه میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (کودکان) در هر یک از رمان‌ها

رمان	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
سوشون	۱۴۸۱/۰۵۴	۸	۰/۰۰۱	معنادار
چراغ‌ها	۲۳۲۲/۶۳۳	۹	۰/۰۰۱	معنادار
پرنده	۹۳۶/۸۰۴	۸	۰/۰۰۱	معنادار

$P < 0/05$

این جدول نشان می‌دهد که تفاوت میان کاربرد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در هر یک از رمان‌ها معنی‌دار و قابل توجه و بررسی است.

جدول ۴-۴: مقایسه میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (کودکان) در هر سه رمان

رمان	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
هر سه رمان	۴۷۵۶/۷۲۳	۹	۰/۰۰۱	معنادار

$P < 0/05$

این جدول نشان می‌دهد که تفاوت میان کاربرد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار که برای بازنمایی کودکان در هر سه رمان استفاده شده، معنی‌دار است.

جدول ۵-۴: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (کودکان) در هر یک از رمان‌ها

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده									
		حذف		متفعل‌سازی		تشخیص‌زدایی		طبقه‌بندی کردن		جنس ارجاعی	
		بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد
۱	سوشون	۵۷۰	۵۰/۳۵	۲۲۲	۱۹/۶۱	۴۴	۳/۸۸	۲۶۷	۲۳/۵۸	۲۹	۲/۵۶
۲	چراغ‌ها	۶۳۵	۵۴/۹۷	۱۷۳	۱۴/۹۷	۲۹	۲/۵۱	۳۰۲	۲۶/۱۴	۱۶	۱/۳۸
۳	پرنده	۳۲۱	۶۲/۶۹	۸۰	۱۵/۶۲	۱۲	۲/۳۴	۸۷	۱۶/۹۹	۱۲	۲/۳۴

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۶۱

در هر سه رمان میزان رازگونی کمتر از نصف است و بیش‌ترین میزان رازگونی مربوط به رمان پرنده من (۴۷/۴۹٪) است.

جدول ۴-۶: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (کودکان) در هر سه رمان

میزان رازگونی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	جنس ارجاعی		طبقه بندی کردن		تشخص‌زدایی		منفعل سازی		حذف				
	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۴۲/۵۱	۲/۰۳	۵۷	۲۳/۴۳	۶۵۶	۳/۰۳	۸۵	۱۶/۹۷	۴۷۵	۵۴/۵۱	۱۵۲۶	۱۷۸۱۴	هر سه رمان	۱

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده‌ای که بیش‌ترین میزان کاربرد را در هر سه رمان‌ها داشته‌اند، شامل حذف (۵۴/۵۱٪) و طبقه‌بندی کردن (۲۳/۴۳٪) می‌باشد. میزان رازگونی به طور کلی ۴۲/۵۱٪ و از نصف کمتر است که نشان می‌دهد صراحت بیش‌تر از پوشیدگی است.

جدول ۴-۷: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (دختر) در هر یک از رمان‌ها

میزان گفتمان‌مداری	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	تشخص بخشیدن												
	پیوند زدایی		پیوند زدن		منفعل سازی		فعال سازی		حذف				
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد		
۰	۰	۴/۹۵	۴۰	۱۱/۷۷	۹۵	۲۱/۵۶	۱۷۴	۲۸/۳۷	۲۲۹	۸۰/۱۲	سوشون	۱	
۰/۰۵	۱	۵/۹۶	۱۱۴	۶/۷۵	۱۲۹	۲۵/۸۱	۴۹۳	۲۹/۰۵	۵۵۵	۷۱/۰۱	چراغ‌ها	۲	
۰	۰	۲/۵۳	۹	۷/۶۰	۲۷	۱۵/۷۷	۵۶	۵۰/۹۸	۱۸۱	۲۷/۰۱	پرنده	۳	

میزان گفتمان‌مداری	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	تشخص‌زدایی					تشخص بخشیدن							
	عینی کردن		انتزاعی کردن		نامشخص سازی		نام دهی		طبقه بندی				
	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۰/۱۰	۱/۳۶	۱۱	۱/۷۳	۱۴	۰/۳۷	۳	۱۶/۱۰	۱۳۰	۱۳/۷۵	۱۱۱	۸۰/۱۲	سوشون	۱
۰/۲۶	۰/۶۸	۱۳	۰/۴۷	۹	۰/۲۰	۴	۲۰/۴۱	۳۹۰	۱۰/۵۷	۲۰۲	۷۱/۰۱	چراغ‌ها	۲
۰/۱۳	۰/۸۴	۳	۰/۵۶	۲	۰	۰	۱۹/۷۱	۷۰	۱/۹۷	۷	۲۷/۰۱	پرنده	۳

جدول ۴-۸: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (دختر) در هر سه رمان

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
تشخیص بخشیدن												
حذف		فعال سازی		منفعل سازی		پیوند زدن		پیوند زدایی				
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۳۱/۴۱	۹۶۵	۷۲۳	۲۳/۵۳	۲۵۱	۸/۱۷	۱۶۳	۵۳۰	۱	۰/۰۳	۱۷۸۱۴	هر سه رمان	۱

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
تشخیص بخشیدن					تشخیص زدایی							
طبقه بندی		نام دهی		نامشخص سازی		انتزاعی کردن		عینی کردن				
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۱۰/۴۱	۳۲۰	۵۹۰	۱۹/۲۰	۷	۰/۲۲	۲۵	۰/۸۱	۲۷	۰/۸۷	۱۷۸۱۴	هر سه رمان	۱

مطابق جدول ۴-۷ بالاترین میزان گفتمان‌مداری مربوط به رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (۰/۲۶٪) و کم‌ترین میزان گفتمان‌مداری مربوط به رمان سووشون (۰/۱۰٪) است.

جدول ۴-۹: مقایسه میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (دختر) در هر یک از رمان‌ها

رمان	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
سووشون	۵۶۳/۵۰۹	۸	۰/۰۰۱	معنادار
چراغ‌ها	۲۱۴۱/۱۳۸	۹	۰/۰۰۱	معنادار
پرنده	۵۸۴۱/۰۲۰	۷	۰/۰۰۱	معنادار

P<0/05

این جدول نشان می‌دهد که تفاوت میان کاربرد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (دختر) در هر یک از رمان‌ها معنی‌دار و قابل توجه و بررسی است.

جدول ۴-۱۰: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (دختر) در هر یک از رمان‌ها

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
حذف		منفعل سازی		تشخیص زدایی		طبقه بندی کردن		جنس ارجاعی				
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۴۹/۶۷	۲۲۹	۹۵	۲۰/۶۰	۲۵	۵/۴۲	۱۱۱	۲۴/۰۷	۱	۰/۲۱	۸۰۱۲	سووشون	۱
۶۱/۱۲	۵۵۵	۱۲۹	۱۴/۲۰	۲۲	۲/۴۲	۲۰۲	۲۲/۲۴	۰	۰	۷۱۰۱	چراغ‌ها	۲

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۶۳

۳	پرنده	۲۷۰۱	۱۸۱	۸۲/۲۷	۲۷	۱۲/۲۷	۵	۲/۲۷	۷	۳/۱۸	۰	۰	۵۰/۲۲
---	-------	------	-----	-------	----	-------	---	------	---	------	---	---	-------

این جدول نشان می‌دهد که بالاترین میزان رازگویی در بازنمایی کودکان دختر (۵۰/۲۲٪) مربوط به رمان پرنده من می‌باشد.

جدول ۴-۱۱: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (دختر) در هر سه رمان

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده											
		واحد‌های پایانی		حذف		متغیل سازی		تشخص زدایی		طبقه بندی کردن		جنس ارجاعی	
		بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد
۱	هر سه رمان	۱۷۸۱۴	۹۶۵	۶۰/۸۳	۲۵۱	۱۵/۷۹	۵۲	۳/۲۷	۳۲۰	۲۰/۱۳	۱	۰/۰۶	۳۹/۴۷

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده‌ای که بیش‌ترین میزان کاربرد را در هر سه رمان داشته‌اند، شامل حذف (۶۰/۸۳٪) و طبقه‌بندی کردن (۲۰/۱۳٪) می‌باشد. میزان رازگویی به طور کلی ۳۹/۴۷٪ و از نصف کمتر است که نشان می‌دهد صراحت، بیش‌تر از پوشیدگی است.

جدول ۴-۱۲: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (پسر) در هر یک از رمان‌ها

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار											
		واحد‌های پایانی		حذف		فعال سازی		متغیل سازی		پیوند زدن		تشخص بخشیدن	
		بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد
۱	سوشون	۸۰۱۲	۳۰۹	۳۳/۸۸	۲۱۶	۲۳/۶۸	۷۳	۸	۲۳	۲/۵۲	۰	۰	
۲	چراغ‌ها	۷۱۰۱	۲۴	۳۳/۳۳	۱۴	۱۹/۴۴	۹	۱۲/۵۰	۱	۱/۳۸	۰	۰	
۳	پرنده	۲۷۰۱	۷۵	۳۳/۰۳	۵۷	۲۵/۱۱	۱۴	۶/۱۶	۱۰	۴/۴۰	۰	۰	

میزان گفتمان‌مداری	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	تشخص بخشیدن					تشخص زادایی							
	طبقه بندی		نام‌دهی		نام‌شخص سازی		انتزاعی کردن		عینی کردن				
	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد			
۰/۱۱	۱۲/۰۶	۱۱	۰/۲۱	۲	۰	۰	۲۱/۰۵	۱۹۲	۹/۴۲	۸۶	۸۰۱۲	سوشون	۱
۰/۰۱	۰	۰	۱/۳۸	۱	۰	۰	۹/۷۲	۷	۲۲/۲۲	۱۶	۷۱۰۱	چراغ‌ها	۲
۰/۰۸	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۳۰/۳۹	۶۹	۰/۸۸	۲	۲۷۰۱	پرنده	۳

جدول ۴-۱۳: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (پسر) در هر سه رمان

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار									
		تشخیص بخشیدن									
		حذف		فعال‌سازی		منفعل‌سازی		پیوند زدن		پیوندزدایی	
درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد		
۱	هر سه رمان	۱۷۸۱۴	۴۰۸	۳۳/۶۹	۲۸۷	۲۳/۶۹	۹۶	۷/۹۲	۳۴	۲/۸۰	۰

میزان گفتمان‌مداری	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	تشخیص بخشیدن					تشخیص زادایی							
	طبقه‌بندی		نام‌دهی		نام‌شخص‌سازی		انتزاعی کردن		عینی کردن				
	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۰/۰۶	۰/۹۰	۱۱	۰/۲۴	۳	۰	۰	۲۲/۱۳	۲۶۸	۸/۵۸	۱۰۴	۱۷۸۱۴	هر سه رمان	۱

مطابق جدول ۴-۱۲ بالاترین میزان گفتمان‌مداری مربوط به رمان سووشون (۰/۱۱) و کم‌ترین میزان استفاده از آن مربوط به رمان چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم (۰/۰۱) است.

جدول ۴-۱۴: مقایسه میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (پسر) در هر یک از رمان

رمان	مجذور خی	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
سووشون	۷۷۵/۵۴۴	۷	۰/۰۰۱	معنادار
چراغ‌ها	۴۰۸۷۸	۶	۰/۰۰۱	معنادار
پرنده	۱۴۱/۳۲۶	۵	۰/۰۰۱	معنادار

$P < 0/05$

این جدول نشان می‌دهد که تفاوت میان کاربرد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار (پسر) در هر یک از رمان‌ها معنی‌دار و قابل توجه و بررسی است.

جدول ۴-۱۵: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (پسر) در هر یک از رمان‌ها

میزان رازگونه‌گی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده										واحد‌های پایانی	رمان	ردیف
	جنس ارجاعی		طبقه‌بندی کردن		تشخیص‌زدایی		منفعل‌سازی		حذف				
	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد			
۴۰/۲۹	۰/۶۱	۳	۱۷/۷۶	۸۶	۲/۶۸	۱۳	۱۵/۰۸	۷۳	۶۳/۸۴	۳۰۹	۸۰۱۲	سووشون	۱
۵۲/۶۳	۰	۰	۳۲	۱۶	۲	۱	۱۸	۹	۴۸	۲۴	۷۱۰۱	چراغ‌ها	۲
۳۰/۵۳	۰	۰	۲/۱۹	۲	۰	۰	۱۵/۳۸	۱۴	۸۲/۴۱	۷۵	۲۷۰۱	پرنده	۳

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۶۵

این جدول نشان می‌دهد که بالاترین میزان رازگویی در بازنمایی کودکان پسر (۵۰/۲۲٪) مربوط به رمان چراغها را من خاموش می‌کنم می‌باشد.

جدول ۴-۱۶: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده (پسر) در هر سه رمان

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده											
		حذف		منفعل‌سازی		تشخیص‌زدایی		طبقه‌بندی کردن		جنس ارجاعی			
		بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد		
۱	هر سه رمان	۱۷۸۱۴	۴۰۸	۶۵/۲۸	۹۶	۱۵/۳۶	۱۴	۲/۲۴	۱۰۴	۱۶/۶۴	۳	۰/۴۸	۳۹/۲۰

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده‌ای که بیش‌ترین میزان کاربرد را در هر سه رمان‌ها داشته‌اند، شامل حذف (۶۵/۲۸٪) و طبقه‌بندی کردن (۱۶/۶۴٪) می‌باشد. میزان رازگویی به طور کلی ۳۹/۲۰٪ و از نصف کمتر است که نشان می‌دهد میزان صراحت بیش‌تر از پوشیدگی است.

جدول ۴-۱۷: مقایسه دو موردی میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار برای کودکان دختر و کودکان پسر

ردیف	رمان	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار										
		حذف		فعال‌سازی		منفعل‌سازی		تشخیص‌بخشیدن		تشخیص‌زدایی		
		بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	
۱	کودکان پسر	۱۷۸۱۴	۴۰۸	۳۳/۶۹	۲۸۷	۲۲/۶۹	۹۶	۷/۹۲	۴۰۶	۳۳/۵۲	۴	۰/۳۳
۲	کودکان دختر	۱۷۸۱۴	۹۶۵	۳۱/۴۱	۷۲۳	۲۳/۵۳	۲۵۱	۸/۱۷	۱۰۸۱	۳۵/۱۸	۵۲	۱/۶۹

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین=mean
مؤلفه حذف برای کودکان پسر	۱۲۱۱	۰.۳۳۶۹
مؤلفه حذف برای کودکان دختر	۳۰۷۲	۰.۳۱۴۱

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار	
مقدار آزمون من ویتنی= Mann-Whitney U	۱۸۱۷۷۱۵.۵۰۰
مقدار آزمون نرمال= Z	-۱.۴۳۹
سطح معناداری= Sig	۰.۱۵۰

نتیجه	$P < 0.05 < 0.150$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین = mean
مؤلفه فعال سازی برای کودکان پسر	۱۲۱۱	۰.۲۳۷۰
مؤلفه فعال سازی برای کودکان دختر	۳۰۷۲	۰.۲۳۵۴

مؤلفه های گفتمان مدار	
مقدار آزمون من ویتنی = Mann-Whitney U	۱۸۵۷۰۴۰.۵۰۰
مقدار آزمون نرمال = Z	-۰.۱۱۴
سطح معناداری = Sig	۰.۹۰۹

نتیجه	$P < 0.05 < 0.909$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین = mean
مؤلفه منفعل سازی برای کودکان پسر	۱۲۱۱	۰.۰۷۹۳
مؤلفه منفعل سازی برای کودکان دختر	۳۰۷۲	۰.۰۸۱۷

مؤلفه های گفتمان مدار	
مقدار آزمون من ویتنی = Mann-Whitney U	۱۸۵۵۵۷۱.۵۰۰
مقدار آزمون نرمال = Z	-۰.۲۶۳
سطح معناداری = Sig	۰.۷۹۳

نتیجه	$P < 0.05 < 0.793$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین = mean
مؤلفه تشخیص بخشی برای کودکان پسر	۱۲۱۱	۰.۳۳۵۳
مؤلفه تشخیص بخشی برای کودکان دختر	۳۰۷۲	۰.۳۵۱۹

مؤلفه های گفتمان مدار	
مقدار آزمون من ویتنی = Mann-Whitney U	۱۸۲۹۱۶۶.۵۰۰

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۶۷

مقدار آزمون نرمال=Z	-۱.۰۲۹
سطح معناداری=Sig	۰.۳۰۳

نتیجه	$P < 0.05 < 0.303$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین=mean
مؤلفه تشخیص‌زدایی برای کودکان پسر	۱۲۱۱	۰.۰۱۱۶
مؤلفه تشخیص‌زدایی برای کودکان دختر	۳۰۷۲	۰.۰۱۶۹
مؤلفه‌های گفتمان‌مدار		
مقدار آزمون من ویتنی=U Mann-Whitney		۱۸۵۰۱۱۴.۰۰۰
مقدار آزمون نرمال=Z		-۱.۲۸۴
سطح معناداری=Sig		۰.۱۹۹

نتیجه	$P < 0.05 < 0.199$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

جدول ۴-۱۸: مقایسه میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده برای کودکان پسر و کودکان دختر

شماره	رابطه‌های پانگنی	مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده										
		حذف		منفعل سازی		تشخیص‌زدایی		طبقه بندی کردن		جنس ارجاعی		
		درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	درصد	بسامد	
کودکان پسر	۱۷۸۱۴	۹۶۵	۶۰/۷۳	۲۵۱	۱۵/۷۹	۵۲	۳/۲۷	۳۲۰	۲۰/۱۳	۱	۰/۰۶	۳۹/۴۷
کودکان دختر	۱۷۸۱۴	۴۰۸	۶۵/۲۸	۹۶	۱۵/۳۶	۱۴	۲/۲۴	۱۰۴	۱۶/۶۴	۳	۰/۴۸	۳۹/۲۰

NPar Tests Mann-Whitney Test

جنسیت	N	میانگین=mean
مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده کودکان پسر	۱۵۹۴	۰.۳۹۲۱
مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده کودکان دختر	۴۰۲۵	۰.۳۹۴۸

مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده	
۳۱۹۹۳۰۴۰۰	Mann-Whitney U=مقدار آزمون من وینتی
-۰.۱۸۶	Z=مقدار آزمون نرمال
۰.۸۵۳	Sig=سطح معناداری

نتیجه	$P < 0.05 < 0.853$	غیر معنادار
-------	--------------------	-------------

۵. نتیجه‌گیری

در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان گفت کودکان در این آثار بیشتر اظهار شده‌اند تا حذف (۳۰/۶۷٪) و با ۲۲/۸۱٪ فعال‌سازی به صورت کارگزارانی فعال و پویا بازنمایی شده‌اند. نویسندگان به طور کلی از مؤلفه‌های حذف (۳۰/۶۷٪)، فعال‌سازی (۲۲/۸۱٪) و نام‌دهی (۱۷/۲۴٪) بیش‌تر از بقیه مؤلفه‌ها استفاده کرده‌اند. میزان رازگونی در این آثار برای بازنمایی کودکان ۴۲/۵۱٪ است و نویسندگان از مؤلفه‌های حذف (۵۴/۵۱٪) و طبقه‌بندی (۲۳/۴۳٪) بیش‌تر از دیگر مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده استفاده کرده‌اند. میزان بهره‌گیری نویسندگان این آثار از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در بازنمایی کودکان دختر و پسر و همچنین در میزان رازگونی تفاوت معناداری با هم نداشته‌اند. در نتیجه، کودکان در این آثار از نظر جنسیت تفاوت معناداری در بازنمایی نداشته و مورد تبعیض جنسیتی واقع نشده‌اند. در هر سه رمان از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار به‌طور معنی‌داری استفاده شده است که این موضوع بیانگر خنثی نبودن این متون نسبت به موضوع کودکان و چگونگی بازنمایی آنهاست. همچنین در هر سه رمان میزان رازگونی و پوشیدگی در مجموع کمتر از نصف است (۴۲/۵٪) که این موضوع بیانگر رویکرد هر سه نویسنده در بازنمایی هرچه بیشتر کودکان صرف نظر از جنسیت آنهاست.

در مورد چگونگی بازنمایی کودکان در این متون، کودکان در این متون بیش‌تر اظهار شده‌اند تا این‌که حذف شده باشند. برای این امر می‌توان تبیین‌های متفاوتی داشت. نویسندگان این آثار زن هستند و هر سه این رمان‌ها از دیدگاه زنانی روایت می‌شود که زمانی کودک و اکنون مادر و همسر هستند. زنان چه به لحاظ مادر بودن و چه به لحاظ برخی مسائل اجتماعی حضور پررنگی در زندگی کودکان دارند. در جامعه ما بیش‌تر امور مربوط به رشد و تعلیم و تربیت کودکان در دست زنان است، مثل مربی مهدکودک یا معلم دبستان بودن و از نظر ساختار اجتماعی نیز جامعه ما معمولاً تأمین هزینه‌های زندگی را بر

عهدهٔ مرد می‌داند و رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان را بر عهدهٔ زن می‌داند، بنابراین زنان در زندگی کودکان حضور قوی‌تر و کودکان نیز در زندگی زنان نقش فعال‌تری دارند، پس در این متون نیز که از دیدگاه زنان نوشته و روایت شده است، کودکان به صورت فعال و پویا بازنمایی شده‌اند. از طرف دیگر اگر ساختار اجتماعی ایران از پنج دههٔ گذشته تا به امروز را مورد بررسی قرار دهیم متوجه تغییرات عمده‌ای که در ساختار خانواده و جایگاه کودک چه در خانواده و چه در جامعه رخ داده است، می‌شویم. مثلاً در دهه‌های گذشته تعداد فرزندان در خانواده‌ها زیادتر از امروز بود و امکانات تحصیلی و آموزشی برای کودکان به اندازهٔ امروز رشد نکرده بود؛ اما امروزه با کم شدن تعداد فرزندان و توجه خانواده‌ها به روش‌های درست تربیت کودکان، هویت شخصی آن‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. امروزه کودکان چه در خانواده و چه در جامعه فعال‌تر از گذشته هستند. اهمیت به استقلال و هویت فردی کودک در دهه‌های گذشته بیشتر در خانواده‌های سطح بالای جامعه دیده می‌شد مانند خانوادهٔ یوسف و زری که در رمان سوشون حضور داشتند اما امروزه با بالا رفتن سطح آگاهی عمومی این موضوع در خانواده‌های سطح متوسط جامعه نیز مورد توجه واقع می‌شود، مثل خانوادهٔ امیر و راوی در رمان پرندهٔ من. بنابراین از آنجا که رمان انعکاس‌دهندهٔ مسائل جامعه است، توجه به هویت فردی کودکان در خانواده و جامعه با فعال بازنمایی شدن آن‌ها در هر یک از این متون و نهایتاً در هر سه متن، نشان داده شده است. کودکان در این متون بیشتر تشخیص‌بخشی شده‌اند تا تشخیص‌زدایی و از بین مؤلفه‌های تشخیص‌بخشی از مؤلفهٔ نام‌دهی بیشتر برای بازنمایی آن‌ها استفاده شده است. این بدین معنی است که کودکان به جای این‌که با نسبتشان با افراد دیگر یا وضعیت ظاهریشان یا نقش اجتماعی‌شان بازنمایی شوند، بیشتر با نام خودشان بازنمایی شده‌اند. این مطلب نیز بیان‌گر توجه به هویت شخصی و فردی کودکان است. در واقع نام‌دهی شیوه‌ای مهم برای برجسته کردن افراد و نقش آنهاست. از بین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده، از حذف بیش‌تر از بقیهٔ مؤلفه‌ها استفاده شده است و میزان رازگونگی ۴۲/۵۱٪ محاسبه شده است که نشان می‌دهد کودکان در این متون بیش‌تر به صورت صریح بازنمایی شده‌اند تا به صورت پوشیده. میزان بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و مؤلفه‌های گفتمان‌مدار پوشیده در دختران و پسران تفاوت معناداری با هم ندارد. این موضوع نشان‌دهندهٔ آن است که کودکان در این آثار مورد تبعیض جنسیتی قرار نگرفته‌اند و بازنمایی و پوشیدگی آن‌ها تفاوت معناداری با هم نداشته است. نبود تبعیض جنسیتی در این آثار را می‌توان به نوعی به جنسیت نویسندگان آن‌ها نسبت داد. نویسندگان این آثار زنان هستند و هر سه رمان از

طریق یکی از شخصیت‌های زن روایت می‌شود. زنان در این متون با دیدگاهی زنانه و مادرانه به بازنمایی کودکان می‌پردازند و آمار به دست آمده از تحلیل این سه رمان نشان می‌دهد که آن‌ها این کار را بدون در نظر گرفتن جنسیت کودکان انجام داده‌اند؛ همان طور که مادران، فرزندان خود را چه دختر و چه پسر، دوست دارند و میان آن‌ها تفاوتی قائل نمی‌شوند. البته نتایج این پژوهش را نمی‌توان به کل متون روایی بزرگسالان و یا رویکرد کل جامعه نسبت به جایگاه کودکان دانست پیشنهاد می‌شود به منظور تعیین نقش جنسیت نویسندگان در چگونگی بازنمایی کودکان، رمان‌های نویسندگان مرد نیز از این منظر بررسی شود.

کتاب‌نامه

- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آفاگل زاده، فردوس (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات». ادب پژوهی، ش ۱، صص ۲۷-۱۷.
- آفاگل زاده، فردوس و غیثیان، مریم‌سادات (۱۳۸۶). «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی». مجله زبان و زبان‌شناسی، س ۳، ش ۱، صص ۵۴-۳۹.
- آفاگل زاده، فردوس، خیرآبادی، رضا، و گلفام، ارسلان (۱۳۹۲). «مطالعه تطبیقی شیوه بازنمایی کنشگران ایرانی و غربی در پرونده هسته‌ای ایران در رسانه‌های بین‌المللی (الگوی ۲۰۰۸ ون لیوون)». جستارهای زبانی، د ۴، ش ۱ (پیاپی ۱۳)، صص ۱۹-۱.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). دستور زبان داستان. اصفهان: نشر فردا.
- براهنی، رضا (۱۳۳۸). قصه‌نویسی. تهران: انتشارات البرز.
- پوشنه، آتنا (۱۳۹۱). «تحلیل گفتمان انتقادی در اثری از ابراهیم گلستان با استفاده از مؤلفه‌های جامعه-شناختی - معنایی گفتمان‌مدار و با توجه به بازنمایی کارگزاران اجتماعی». جستارهای زبانی، د ۴ (۲)، صص ۲۵-۱.
- پیرزاد، زویا (۱۳۸۰). چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم. تهران: نشر مرکز.
- جهانگیری، شکوفه (۱۳۹۰). تحلیل انتقادی گفتمان شعر اجتماعی کودک و نوجوان (گروه سنی د-ه) با توجه به انگاره تحلیلی ون لیوون. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس، شیراز، ایران.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۳). «گونه‌های ادب». کلک، ش ۵۳، صص ۸۵-۷۷.
- دانشور، سیمین (۱۳۴۸). سووشون. تهران: انتشارات خوارزمی.
- دسپ، سیدعلی (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور». نقد ادبی، س ۲، ش ۶، صص ۱۸۳-۱۴۹.

چگونگی بازنمایی کودکان در ادبیات روایی بزرگسالان از دیدگاه ... ۲۷۱

- دروذگریان، فرهاد، کوپا، فاطمه، و اکبرپور، سهیلا (۱۳۹۱). «زمان روایی در رمان احتمالاً گم شده‌ام براساس نظریه ژرارژ ژنت». مطالعات داستانی، س ۱، ش ۲، صص ۱۷-۵.
- رستگار، مریم (۱۳۹۰). چگونگی بازنمایی شخصیت زن در نوشته‌های نویسندگان زن ایرانی: مطالعه موردی رمان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» (تحلیلی از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس، شیراز، ایران.
- سیف، لیدا (۱۳۸۶). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در منازعات فلسطین و اسرائیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- شاه‌سنی، شهرزاد (۱۳۸۶). تبیین سازوکارهای مؤلفه‌های جامعه‌پذیری کتاب‌های علوم انسانی دوره ابتدایی در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان. رساله دکتری رشته تعلیم و تربیت، دانشگاه شیراز.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». خرد و کوشش، ش ۱۱ و ۱۲، ۱۱۹-۹۶.
- صمیم بنی‌هاشم، ابوالحسن (۱۳۷۱). مطالعه رشد نحوی نوشتاری در میان دانش‌آموزان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه شیراز.
- عسگری، عسگر (۱۳۸۹). نقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده. تهران: انتشارات فرزانه روز.
- غلام، محمد (۱۳۸۳). «جامعه‌شناسی رمان فارسی». زبان و ادبیات فارسی مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۲، ش ۴۶-۴۵، صص ۱۷۳-۱۲۹.
- فالور، راجر، یاکوبسن، رومن، لاج، دیوید، و بری، پیتیر (۱۳۹۰). زبان‌شناسی و نقد ادبی. مترجمان: خوزان، مریم، و پاینده، حسین، تهران: نشر نی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجمان: فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فلاحی، محمدهادی (۱۳۸۸). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
- لطفی‌پور ساعدی، کاظم (۱۳۷۶). اصول و روش ترجمه. تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- محمدی فشارکی، محسن، و عاشورلو، شیرین (۱۳۹۳). «بررسی موقعیت «روایت‌شنو» در ادبیات داستانی». جستارهای زبانی، ۵، ش ۴ (پیاپی ۲۰)، صص ۱۹۵-۱۷۱.
- مقداری، صدیقه‌سادات، زمردیان، رضا، استاجی، اعظم، و مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۹). «بازنمایی نقش زنان در ادبیات جنگ برای کودک از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی». زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، شماره پیاپی ۵، صص ۶۹-۴۷.
- میرصادقی، جمال (۱۳۹۰). ادبیات داستانی. تهران: نشر سخن.
- ناولز، مودی (۱۳۸۰). «ابدئولوژی و روایت». مترجم: اقبال‌زاده، شهرام، کتاب ماه ادبیات کودک و نوجوان، س ۴، ش ۹، صص ۱۰۱-۱۰۰.

- وفی، فریبا (۱۳۸۱). پرندۀ من. تهران: نشر مرکز.
- ون دایک، تئون ای (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی. مترجمان: پیروز ایزدی و دیگران، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۹). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. تهران: انتشارات هرمس.
- یارمحمدی، لطف‌الله، یمنی، مرتضی، و قنبری، لیلا (۱۳۸۹). «مقایسه تحلیل انتقادی گفتمان داستان‌های کوتاه معاصر بزرگسالان و داستان‌های کوتاه معاصر نوجوانان». مطالعات ادبیات کودک، س ۱، ش ۱، صص ۱۶۶-۱۴۳.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۱). درآمدی به گفتمان‌شناسی. تهران: انتشارات هرمس.

- Crystal, D. (1992). *An encyclopedic Dictionary of Language and Languages*. U.S.A: Blackwell Publishing.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*, London: Polity Press.
- Fairclough, N., Wodak, R. (1997). *Critical Discourse Analysis*. In T. Van Dijk (Ed.). *Discourse as Social Interaction: Discourse Studies: A Mulidisciplinary Introduction*, Vol. 2, London: Sage.
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*, London: Longman.
- Fowler, R. (1992). *Power and Language*, International encyclopedia of linguistics. Vol.3. London; Oxford university press.
- Hobson, H. (2003). *A Discourse of Representation of Masculinity and Feminity in Baden-Powel's 1919. Handbook for Scouts and Guides using the framework of theory Van Leeuwen, with the tradition of Critical Discourse Analysis*.
- Ogola, J. (2007). *Masculinities in Kiswahili Children's literature in Keneya, Sawahili Froum*, Vol.14, 245-254.
- Rogers, R., Christian, J. (2007). *What Could I Say? A Critical discourse analysis of the construction of race in children's literature*, *Race Ethnicity and Education Journal*, Vol.10, No.1, 21-46.
- Talif, R., Nair, R. (2010). *Lexical Choices and the Construction of Gender in Malaysian Literature*, *Kajian Malaysia*, Vol.28, No.2.
- Van Dijk, T. A. (1985). *Handbook of Discourse Analysis in Society*, London, Routledge.
- Van Leeuwen, T. A. (1996). *The Representing of Social Actors*, in Coldas- coulthard, C. R. & Coulthard, M. (eds.), *Text and Practices, Reading in CDA*, London, Routledge.
- Wharton, S. (2005). *Invisible Females, incapable Males: Gender Construction in Children's Reading Scheme*, *Language and Education*, Vol.19, 235-238.
- Wodak, R. (2001). *Critical discourse analysis in postmodern societies in: Folia Longuistica*, Vol. 35. 1-2, Berlin.